

[بقاء بر تقلید میت 1](#_Toc20660241)

[کلام آقای سیستانی در توجیه عدم جریان استصحاب حجیت فتوای میت 1](#_Toc20660242)

[مناقشه 2](#_Toc20660243)

[تنبیهات بقاء بر تقلید میت 3](#_Toc20660244)

[الف: شرطیت عدم فراموشی فتوای تعّلم شده 3](#_Toc20660245)

[ب: لزوم بقاء بر تقلید در صورت اعلم بودن مجتهد متوفّی 4](#_Toc20660246)

[ج: صور اختلاف مجتهد حیّ و میت 5](#_Toc20660247)

**موضوع**: بقاء بر تقلید از میت/ شرطیت حیات در مرجع تقلید/ اجتهاد و تقلید / خاتمه

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در بقاء بر تقلید از میت قرار دارد که در جلسه پیشین ادله جواز و عدم جواز بقاء بر تقلید و همچنین اختلاف اقوال در مورد محدوده و شرائط بقاء بر تقلید مطرح شد.

# بقاء بر تقلید میت

## کلام آقای سیستانی در توجیه عدم جریان استصحاب حجیت فتوای میت

در جلسه پیشین اشکالی بر آقای سیستانی مطرح شد که ایشان استصحاب حجیت را در مورد فتوای مجتهد میتی که مکلف در زمان صبی ممیّز بودن با او معاصر بوده است، جاری می دانند، اما فتوا داده اند که لازم است که مکلف در زمان حیات مجتهد، ملتزم به فتوای او شده باشد.

ایشان در لابه لای کلمات خود به عنوان جواب از این اشکال فرموده اند: اگرچه اجماع بر حرمت تقلید ابتدائی از میت مورد پذیرش ما نیست، اما روایت معتبری وجود دارد که مفاد آن لزوم تقلید از مجتهد حیّ است. روایت مذکور در کتاب علل الشرایع و به سند صحیح از یعقوب سرّاج نقل شده است که طبق شهادت نجاشی فرد ثقه ای است. در این روایت آمده است: «قلت لأبي عبد الله ع تبقى الأرض بلا عالم حي ظاهر يفزع إليه الناس في حلالهم و حرامهم؟ فقال لي إذا لا يعبد الله يا أبا يوسف.»[[1]](#footnote-1) ظاهر روایت این است که لازم است مردم در امر حلال و حرام به عالم حیّ پناه ببرند؛ چون امام علیه السلام فرموده اند که اگر عالم حیّ وجود نداشته باشد که مردم در حلال و حرام به او پناه ببرند، دین مندرس خواهد شد.

ممکن است به ایشان اشکال شود که طبق بیان ذکر شده لازم است که مردم فتوای حیّ را تعلّم کنند و صرف التزام کافی نباشد. ایشان در پاسخ از این اشکال فرموده اند: ممکن است که فزع و پناه بردن قبل از تعلّم باشد؛ مثل اینکه فردی به فقیه مراجعه کرده و پاسخ سوال خود را دریافت می کند، اما متوجه مقصود او نمی شود. در این صورت اگر مجتهد قبل از مراجعه عامی به فرد دیگر برای تفسیر کلام او فوت کند، تعلّم حکم شرعی در زمان حیات مجتهد صورت نگرفته است، اما فزع به عالم در مورد حلال و حرام صادق است. بنابراین تعلّم فضلاً عن العمل به فتوا در زمان حیات مجتهد، برای بقاء به تقلید شرط نیست بلکه صرف اینکه فزع در زمان حیات مجتهد باشد که با التزام محقق می شود، کافی است. اما اگر کسی که اساسا التزام به فتوای مجتهد هم نداشته باشد، قطعا فزع در حلال و حرام صدق نخواهد کرد و صحیحه یعقوب سرّاج دلیل می شود که در صورت عدم التزام به فتوای مجتهد در زمان او، تقلید جایز نیست.

### مناقشه

به نظر ما کلام آقای سیستانی صحیح نبوده و سه اشکال بر آن وارد است.

1. شیخ صدوق در کتاب علل الشرایع بابی با نام «باب العلة التي من أجلها لا تخلو الأرض من حجة الله عزّ و جلّ على خلقه‏»[[2]](#footnote-2) ذکر کرده و در آن بحث خالی نماندن زمین از امام علیه السلام را مطرح و روایات متعددی نقل کرده است. به عنوان مثال در این باب تعابیری همچون «قلت له تكون الأرض و لا إمام فيها فقال لا إذا لساخت بأهلها» و «إن الله لا يدع‏ الأرض إلا و فيها عالم يعلم الزيادة و النقصان فإذا زاد المؤمنون شيئا ردهم و إذا نقصوا أكمله لهم فقال خذوه كاملا و لو لا ذلك لالتبس على المؤمنين أمرهم و لم يفرق بين الحق و الباطل» و «لو كان الناس رجلين لكان أحدهما الإمام و قال إن آخر من يموت الإمام لئلا يحتج أحدهم على الله عز و جل تركه بغير حجة لله عليه.» وجود دارد که ظاهر این روایات این است که امام علیه السلام در هر زمان لازم است و به نحو تعدد مطلوب باید این امام ظاهر باشد و اگر هم مردم موجباتی ایجاد کنند که امام علیه السلام نتواند ظاهر باشد، توسط نواب او تأثیر گذار در مردم خواهد بود.

شاهد کلام ما این است که رویات یعقوب سراج در تفسیر عیاشی به صورت «عن يعقوب السراج قال قلت لأبي عبد الله ع تبقى الأرض يوما بغير عالم منكم يفزع الناس إليه قال: فقال لي: إذا لا يعبد الله يا أبا يوسف، لا تخلو الأرض من عالم منا، ظاهر يفزع الناس إليه في حلالهم و حرامهم، و إن ذلك لمبين في كتاب الله قال الله: «يا أيها الذين آمنوا اصبروا» على دينكم «و صابروا» عدوكم ممن يخالفكم «و رابطوا» إمامكم «و اتقوا الله» فيما أمركم به و افترض عليكم‏»[[3]](#footnote-3) نقل شده است که تعبیر «عالم منکم»، «لاتخلو الأرض من عالم منّا» و «رابطوا امامکم» در آن وجود دارد که روشن می کند که روایت یعقوب سرّاج در مورد نیازمندی مردم به امام معصوم علیه السلام است. در صورتی هم که نتوان این مطلب را به صورت قطعی بیان کرد، شک هم وجود داشته باشد، برای عدم تمامیت استدلال کافی است.

1. فرضا با استفاده از تعبیر «عالم حیّ ظاهر» مراد از عالم در این روایت، مطلق عالم بوده و امام معصوم علیه السلام نباشد، مفاد این روایت امر واقعی است که اگر عالم حیّ و ظاهر به عنوان مفزع حلال و حرام نباشد، دین مندرس خواهد شد و این مطلب واقعیت است؛ چون اگر در زمانی عالم حیّ وجود نداشته باشد، مردم آرام آرام، دین را فراموش خواهند کرد و در نتیجه باید عالمی حیّ باشد که مردم را در حلال و حرام ارشاد کند. اما این امر حتی در صورتی که عالم، حلال و حرام را از میت اعلم نقل کند، محقق می شود و در مورد او هم صادق است که عالم حیّ است که مفزع مردم در حلال و حرام قرار گرفته است و مانع اندراس دین می شود.
2. فرضا اگر لازم باشد که فزع عامی در امر حلال و حرام به مجتهد زنده باشد، با صرف التزام قلبی فزع صدق نمی‌کند و لذا اگر فردی در شب ملتزم شود که طبق رساله مرجع مشخصی عمل کند و صبحِ همان شب، خبر از فوت آن مرجع داده شود، صادق نخواهد بود که فرد در حلال و حرام خود به مجتهد فزع داشته است. البته در مورد مثال ایشان که فرد جواب خود را از مجتهد گرفته و متوجه نشده باشد، فزع صدق می کند، اما این مورد دلیل نمی شود که مطلق التزام موجب صدق فزع باشد و لذا این روایت نمی توان کلام ایشان را نتیجه بدهد.

## تنبیهات بقاء بر تقلید میت

در مورد بقاء بر تقلید میت تنبیهاتی وجود دارد که در ادامه به صورت مختصر مطرح می شود.

### الف: شرطیت عدم فراموشی فتوای تعّلم شده

اولین تنبیه بقاء بر تقلید میت این است که مرحوم آقای خویی فرموده اند: شرط بقاء بر تقلید میت این است که در زمان حیات مجتهد، فتوای او برای عمل تعلّم شده باشد و بعداً هم به صورتی فراموش نشود که نیازمند تعلّم جدید باشد و لذا اگر مکلف به نحوی فتوای مجتهد را فراموش کند که نیازمند تعلّم جدید باشد، با توجه به اینکه در روایات امر به تعلّم از احیاء کرده است، تقلید او از میت جایز نخواهد بود.

انصاف این است که کلام مرحوم آقای خویی قابل توجه است و لذا اینکه مرحوم استاد فرموده اند: اطلاق دلیل حجیت فتوای مجتهد شامل فتوای تعلّم شده در حیات مجتهد و فراموش شده به نحوی که نیازمند تعلم جدید است، می شود، صحیح نیست؛ چون خود ایشان فرموده اند: ظاهر امر به رجوع به مجتهد، وجوب تعیینی رجوع به مجتهد حیّ برای تعلّم است و در صورت نیازمندی به تعلّم جدید به جهت فراموشی، خطاب دلیل وجوب تعلّم از احیاء شامل نمی شود و در نتیجه کلام مرحوم آقای خویی صحیح خواهد بود.

البته با توجه به اینکه دلیل ما سیره است و اطلاق روایات را مورد استناد قرار نداده ایم، قدر متیقن از سیره فرضی خواهد بود که نیاز به تعلّم جدید وجود نداشته باشد. البته در صورتی که تعلّم جدید نیاز نبوده و با صرف تفکر، فتوا به خاطر آورده شود، اطلاق دلیل نسبت به حجیت فتوای سابق مجتهد شامل شده و تقلید مشکلی نخواهد داشت.

### ب: لزوم بقاء بر تقلید در صورت اعلم بودن مجتهد متوفّی

دومین تنبیه بقاء بر تقلید از میت این است که آقای سیستانی وفاقاً للسید الخویی و شیخنا الأستاد فرموده اند: در صورتی که مجتهد میت اعلم باشد، بقاء بر تقلید از میت واجب است. البته آقای سیستانی در مورد اعلم اختلاف فاحش را لازم می‌دانند.

 به نظر ما هم لزوم تقلید از اعلم صحیح است و لذا اینکه صاحب جواهر ادعای اجماع بر عدم وجوب بقاء بر تقلید از میت حتی در صورت أعلم بودن کرده و آقای حکیم نیز اجماع را پذیرفته اند، صحیح نیست؛ چون با توجه به عدم طرح این مباحث در کلمات قدماء، این اجماع ثابت نیست و در نتیجه مقتضای سیره، بقاء بر تقلید از أعلم است، علاوه بر اینکه دوران امر بین تعیین و تخییر رخ داده که مقتضای احتیاط بقاء بر تقلید از أعلم است.

بحث دیگری وجود دارد که اگر فرد از مجتهدی تقلید کرده باشد که در زمان حیات خود قطعاً یا احتمالا اعلم نبوده است، اما بعد از مدتی فقهای مقارن با مرجع تقلید فرد فوت کرده و مقلَّد فرد نسبت به مراجع موجود اعلم بوده یا دارای استصحاب اعلمیت باشد، آقای سیستانی در مورد این فرض فرموده اند: بقاء بر تقلید این مجتهد لازم است؛ چون اگرچه حدوثاً حجت شرعی برای تقلید از او وجود نداشته است، اما به هر حال در صورتی که الان باقی بر تقلید باشد، خارج از منع از تقلید ابتدائی است و وقتی تقلید ابتدائی نبوده و در حال حاضر هم میت اعلم از احیاء باشد، بقاء بر تقلید از او لازم خواهد بود.

به نظر ما در مورد بقاء بر تقلید از مجتهد مذکور باید تفصیل داده شود؛ چون اگر دلیل استصحاب حجیت باشد، فتوای آن مجتهد با وجود مجتهدین اعلم در زمان خودش، حدوث حجیت نداشته است. البته اگر در زمان حیات مجتهد، بین او و دیگران تساوی وجود داشته و مکلف مخیر در تقلید بوده و از باب تخییر از او تقلید کرده باشد، مشکلی وجود ندارد و تقلید از روی حجت بوده است، اما اگر در زمان حیات نسبت به مقارنین اعلم یا مساوی نباشد، تقلید از او حجت نبوده است تا استصحاب حجیت جاری شود. اما اگر دلیل، اطلاق روایات یا عموم ارتکاز عقلاء باشد، مطلب ذکر شده صحیح است و مشکلی وجود ندارد؛ چون مجتهد ذکر شده در زمان تعلّم فرد زنده بوده و در حال حاضر هم اعلم از مجتهدین حاضر است و در نتیجه شرائط فراهم است. اما دلیل ما سیره متشرعه است که دلیل لبّی است و اطلاق ندارد و لذا با توجه به خارج بودن از قدرمتیقن سیره جواز بقاء بر تقلید از میت قابل اثبات نیست.

### ج: صور اختلاف مجتهد حیّ و میت

سومین تنبیه برای بقاء تقلید از میت، مربوط به موارد اختلاف حیّ و میت است.

مشهور و از جمله مرحوم استاد و آقای سیستانی قائل شده اند که در مسأله بقاء بر تقلید از میت، قول میت کالعدم است و لذا باید مسأله مربوط به بقاء تقلید اعم از اینکه حکم به حرمت، وجوب یا جواز شده باشد، حذف شده و در مسأله بقاء بر تقلید از میت، از مجتهد زنده تقلید شود.

بنابراین در حال حاضر اگر مرحوم آقای خویی در نزد فردی اعلم به صورت فاحش نسبت به مراجع حاضر باشد، آقای سیستانی فرموده اند: در صورتی که احراز شود که در زمان مرحوم آقای خویی التزام به عمل به فتوای ایشان وجود داشته است، با توجه به اعلم فاحش بودن مرحوم آقای خویی، به صورت مطلق واجب است که بر تقلید از مرحوم آقای خویی باقی بماند. در این مورد ممکن است اشکال شود که مرحوم آقای خویی برای بقاء بر تقلید از میت شرط کرده اند که مکلف فتاوای مجتهد را تعلم کرده و فراموش هم نکرده باشد. در حالی که مکلف در زمان حیات مرحوم آقای خویی فتاوای ایشان را فرانگرفته است و یا در صورت تعلّم، فراموش کرده و نیاز به تعلّم جدید دارد و در نتیجه طبق فتوای مرحوم آقای خویی بقاء بر تقلید برای این فرد حرام است. در پاسخ این اشکال گفته می شود که فتوای مرحوم آقای خویی در مسأله بقاء بر تقلید از میت اعتبار ندارد بلکه باید رجوع به اعلم الاحیاء شود که اگر آقای سیستانی اعلم الاحیاء باشد، آقای سیستانی فرموده اند: در صورتی که اختلاف دو مجتهد در مرتبه علمی فاحش نباشد، تخییر وجود دارد و لذا با توجه به معیار بودن فتوای حیّ در مورد بقاء بر تقلید بر اساس همان فتوا عمل خواهد شد.

صاحب عروه در مورد مطلب محل بحث فرموده است: «اذا قلّد مجتهدا کان یجوز البقاء علی تقلید المیت فمات ذلک المجتهد لایجوز البقاء علی تقلیده فی المسأله بل یجب الرجوع الی الحیّ الاعلم فی جواز البقاء و عدمه»[[4]](#footnote-4) بنابراین صاحب عروه هم رجوع به مجتهد اعلم الأحیاء را لازم دانسته است که بعد از رجوع به مفاد فتوای او اعم از حرمت یا وجوب بقاء بر تقلید عمل می شود.

به نظر ما اینکه در مسأله بقاء بر تقلید از میت به صورت مطلق فتوای مجتهد زنده تبعیت شود، صحیح نیست که برای روشن شدن این اشکال باید صور مسأله به صورت جداگانه مطرح و مورد بررسی قرار گیرد.

1. صورت اول اختلاف مجتهد حیّ و میت در بقاء بر تقلید از میت این است که مجتهد حیّ قائل به جواز مطلق بقاء بر تقلید از میت بوده و میت قائل به جواز فی الجمله بقاء باشد که در حال حاضر این فرض محقق شده است؛ چون آقای سیستانی قائل به جواز بالمعنی الاعم در بقاء بر تقلید از میت است که شامل وجوب بقاء هم می شود، اما مرحوم آقای خویی صرفا قائل به جواز بقاء بر تقلید از میت در خصوص مسائلی شده اند که تعلّم شده باشند.

البته اگر مرحوم آقای خویی در مسائل تعلّم نشده احتیاط داشت، با توجه به عدم فتوای ایشان بر حرمت بقاء در غیر مسائل تعلّم شده، اشکالی ایجاد نمی شد، اما مشکل این است که مرحوم آقای خویی فتوا به جواز بقاء بر مسائل تعلّم شده و حرمت بقاء در مسائل تعلّم نشده داده است که در این صورت اثبات حجیت فتوای حیّ به جواز بقاء به صورت مطلق دچار اشکال خواهد شد.

توضیح اشکال و همچنین سایر اقسام در جلسه آینده مطرح می شود.

1. . [علل الشرایع، شیخ صدوق، ج1، ص196.](http://lib.eshia.ir/10107/1/195/%DB%8C%D8%B9%D9%82%D9%88%D8%A8) [↑](#footnote-ref-1)
2. . [علل الشرائع، شیخ صدوق، ج‏1، ص195.](http://lib.eshia.ir/10107/1/195/%D8%A7%D9%84%D8%B9%D9%84%D8%A9) [↑](#footnote-ref-2)
3. . [تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود العیاشی، ج1، ص212.](http://lib.eshia.ir/12013/1/212/%D8%A7%D9%84%D8%B3%D8%B1%D8%A7%D8%AC) [↑](#footnote-ref-3)
4. . [العروة الوثقی (المحشی)، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص21.](http://lib.eshia.ir/10027/1/21/%D9%82%D9%84%D9%91%D8%AF%20) [↑](#footnote-ref-4)